

اعتراض شیرتوشیر!

بحث نخریدن شیر، بیش از آنکه یک کشش اقتصادی باشد، باز تاب نوعی مواجهه احساسی با مسئله گرانی است که در فضای عمومی باز تولید می‌شود. این مواجهه، ساده و قابل فهم به نظر می‌رسد اما سادگی آن همان نقطه‌ای است که نقد کارشناسی از آن آغاز می‌شود. شیر کالایی عادی در سبد مصرف نیست که بتوان با حذف مقطعی آن، پیمی روشن و هدفمند به ساختار قیمت‌گذاری ارسال کرد. این محصول در دل شبکه‌ای پیچیده از تولید، اشتغال، سلامت و امنیت غذایی قرار دارد و تصمیم شتاب‌زده در باره آن، اثراتی فراتر از تصور اولیه بر جای می‌گذارد.

واقعیت این است که بازار شیر، تمامیت منطق کالاهای اساسی است و قواعدی متفاوت از بازارهای سرمایه‌ای دارد. دامدار نمی‌تواند تولید را متوقف کند، گاو شیرده را از چرخه خارج سازد یا محصول را برای ماه‌ها انبار کند. شیر هر روز تولید می‌شود و هر روز باید فروخته شود. کاهش تقاضا، پیش از آنکه به سود صنایع بزرگ یا اصلاح قیمت منجر شود، مستقیماً دامدار و کارگر وابسته به این چرخه را تحت فشار قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، نخستین پیامد، کاهش خرید شیر خام و تضعیف توان مالی واحدهای کوچک است که محور تولید محسوب می‌شوند.

کارشناسانی که با موج نخریدن شیر مخالفت می‌کنند، از جایگاه دفاع از یک صنف خاص سخن نمی‌گویند، بلکه بر پایه شناخت ساختار اقتصادی و اجتماعی زنجیره لبنیات هشدار می‌دهند. حذف شیر از سبد مصرف، اقدامی خشنی نیست و آثار آن به سرعت در اشتغال روستایی، سرمایه‌گذاری در دامداری و حتی کیفیت محصول نمایان می‌شود. کاهش در آمد دامدار به معنای مرغه‌جویی اجباری در تغذیه دام، بهداشت و نوسازی تجهیزات است و این روند در نهایت به افت کیفیت و افزایش هزینه‌های آینده می‌انجامد.

در سوی دیگر، مصرف‌کننده نیز از این چرخه آسیب‌دیده بیرون نمی‌آید. شیر یکی از ارکان اصلی تغذیه سالم است و جایگزین کامل و کم‌هزینه‌ای برای آن وجود ندارد. حذف این محصول از الگوی مصرف، به‌ویژه برای کودکان، سالمندان و زنان، پیامدهای بلندمدت تغذیه‌ای به همراه دارد که در کوتاه‌مدت دیده نمی‌شود اما در آینده خود را به شکل افزایش بیماری‌ها و هزینه‌های درمان نشان می‌دهد. جامعه‌ای که سلامت خود را در معرض مخاطره قرار می‌دهد، در عمل هزینه‌ای به مراتب سنگین‌تر از افزایش قیمت پرداخت می‌کند. ادعای رایج در دفاع از نخریدن شیر، ارسال پیام نقد به صنایع لبنی است اما این ادعا با واقعیت بازار همخوانی ندارد. صنایع بزرگ، به دلیل دسترسی به منابع مالی و امکان تنوع‌بخشی به محصولات، توان عبور از نوسان‌های مقطعی تقاضا را دارند. فشار واقعی بر دوش حلقه‌های ضعیف‌تر زنجیره باقی می‌ماند که کمترین نقش را در تعیین قیمت دارند. در چنین شرایطی، اعتراض به جای آنکه ساختار تصمیم‌گیری را هدف بگیرد، معیشت گروه‌های را نشانه می‌رود که خود قربانی شرایط موجود هستند.

از منظر علم اقتصاد، تهدید مصرف زمانی می‌تواند ابزار مؤثر تلقی شود که تقاضا را کاهش دلالی بر خوردار باشد و امکان جایگزینی بدون هزینه وجود داشته باشد. شیر واجد این ویژگی‌ها نیست. کاهش مصرف آن، بیشتر به خودتهدیدی شباهت دارد و نقد کارآمد، هزینه را به محل تصمیم‌گیری منتقل می‌کند، نه آنکه سفره مردم را نشانه برود. به همین دلیل است که کارشناسان قنایه‌ها با بازارهایی مانند طلاوار از املاتج می‌کنند که ماهیت سرمایه‌ای دارند و تغییر رفتار مصرف‌کننده در آنها، پیام مستقیم‌تری به سیاست‌گذاری اقتصادی ارسال می‌کند.

نکته دیگر، نقش سیاست‌گذار در این معادله است. قیمت شیر حاصل برهم‌کنش عوامل متعددی از جمله نهاده‌های دامی، نرخ ارز، انرژی، دستمزد و ساختار توزیع است. انتظار اصلاح این مجموعه پیچیده از مسیر نخریدن، نوعی ساده‌سازی مغرط است. مطالبه‌گری مؤثر باید متوجه شفافیت هر هزینه، نحوه تخصیص یارانه‌ها و نظارت بر سودجویی باشد. انتقال بار مسئولیت به مصرف‌کننده، عملاً به معنای چشم‌پوشی از وظیفه تنظیم‌گری است.

تجربه‌های مشابه نشان می‌دهد، تهدید کالاهای اساسی اغلب به نتایجی ناخواسته منجر شده است. کاهش مصرف، تعطیلی واحدهای کوچک را تسریع کرده و زمینه‌تمرکز بیشتر بازار را فراهم آورده است. تمرکز بالاتر، قدرت قیمت‌گذاری را افزایش می‌دهد و دست مصرف‌کننده را در آینده بسته‌تر می‌کند. این روند، دقیقاً در نقطه مقابل هدف اعلامی منتقدان قرار دارد و به تشدید همان مشکلی می‌انجامد که نقد برای حل آن شکل گرفته است.

ابعاد اجتماعی این مسئله نیز قابل چشم‌پوشی نیست. نقد زمانی مشروعیت و اثرگذاری دارد که با کمترین آسیب به گروه‌های کم‌قدرت همراه باشد. وقتی کشنی اعتراضی به کاهش دستمزد کارگر یا تهدید امنیت شغلی دامدار منجر می‌شود، سرمایه اجتماعی را فرسوده می‌کند. جامعه‌ای که میان اعتراض و مسئولیت اجتماعی تعادل برقرار نکند، ناخواسته به تضعیف همبستگی درونی خود کمک می‌کند.

در تحلیل رفتاری، موج‌های خودجوش و احساسی معمولاً عمر کوتاهی دارند. هیجان اولیه فروکش می‌کند، مصرف به روال پیشین بازمی‌گردد اما بی‌ثباتی ایجادشده در ذهن تولیدکننده باقی می‌ماند. این بی‌اعتمادی، برنامه‌ریزی بلندمدت را مختل می‌کند و هزینه ریسک را بالا می‌برد. افزایش هزینه ریسک، دیر یا زود در قیمت نهایی منعکس می‌شود و بار دیگر به مصرف‌کننده بازمی‌گردد.

متخصصان تغذیه بارها هشدار داده‌اند، کاهش مصرف شیر، آثار تدریجی اما عمیق دارد. این آثار در آمارهای روزمره دیده نمی‌شود، اما در کیفیت نیروی انسانی آینده تأثیر می‌گذارد. کشوری که به سلامت نسل آینده خود پی توجه باشد، در بلندمدت با کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد. هیچ اصلاح قیمتی ارزش چنین بهایی را ندارد.

راهکارهای جایگزین برای مطالبه‌گری وجود دارد که هم عقلانی‌تر و هم کم‌هزینه‌تر است. پیگیری شفافیت در زنجیره قیمت، حمایت از تعاونی‌های مصرف، تقویت خرید مستقیم از تولیدکننده و مطالبه سیاست‌های حمایتی هدفمند، ابزارهایی هستند که می‌توانند فشار اصلاحی ایجاد کنند، بی‌آنکه به سلامت و معیشت لطمه بزنند. این مسیرها نیازمند سازمان‌دهی، آگاهی و صبر اجتماعی هستند و به همین دلیل کمتر مورد توجه موج‌های هیجانی قرار می‌گیرند.

مسئله نخریدن شیر، در نهایت به آزمونی برای بلوغ گفت‌وگوی عمومی تبدیل می‌شود. مواجهه سطحی با مسائل پیچیده، راه‌حل‌های ساده اما پرهزینه تولید می‌کند. دفاع کارشناسان از ادامه مصرف شیر، دعوت به انفعال نیست، بلکه تأکید بر انتخاب میدان درست اعتراض است. میدانی که اثرگذاری بیشتری دارد و هزینه انسانی کمتری تحمیل می‌کند. پذیرش این منطق، به معنای همسویی با عقلانیت جمعی است. اعتراض، زمانی معنا می‌یابد که ساختارها را هدف بگیرد و از آسیب به زندگی روزمره مردم پرهیز کند. در این چارچوب، خرید شیر رفتاری مسئولانه تلقی می‌شود و نخریدن آن، بیش از آنکه کششی آگاهانه باشد، تصمیمی پریسک است.

جمع‌بندی این بحث نشان می‌دهد، اقتصاد، سلامت و اخلاق اجتماعی در یک نقطه مشترک به هم می‌رسند و آن پرهیز از تصمیم‌های هیجانی است. جامعه‌ای که تحلیل را جایگزین واکنش می‌کند، مسیر اصلاح را هموارتر می‌سازد. این رویکرد نشانه بلوغ و احترام به دانشی که از تجربه و تخصص برآمده است.

بازار پروتئین در آبان ۱۴۰۴کم‌نوسان اما معنادار در حوزه تولید و عرضه گوشت طیور بود و داده‌های رسمی منتشرشده از سوسوی مراجع آماری نشان می‌دهد کشتارگاه‌های رسمی در این ماه بیش از ۲۱۸هزار تن گوشت انواع طیور را وارد چرخه مصرف کرده‌اند که از یک‌سوی بیانگر تداوم نقش تعیین‌کننده مرغ در سفره خانوارهای ایرانی است و از سوسوی دیگر، نشانه‌ای از پایداری نسبی زنجیره تأمین در یکی از حساس‌ترین بخش‌های امنیت غذایی کشور به شمار می‌آید. افزایش عرضه نسبت به مدت مشابه سال گذشته، آن هم در شرایطی که هزینه‌های تولید، نهاده‌های دامی و چالش‌های لجستیکی همچنان بر اقتصاد بخش کشاورزی سایه انداخته‌اند، می‌تواند چشم‌انداز روشنی داشته باشد. سهم بالای گوشت مرغ در ترکیب تولید، محدود بودن نقش سایر طیور و فاصله اندک تغییرات ماهانه، همگی از بازاری حکایت می‌کند که بیش از هر چیز بر ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و مدیریت عرضه تکیه دارد.



بر اساس نتایج طرح آمارگیری کشتار طیور در کشتارگاه‌های رسمی کشور، وزن گوشت عرضه‌شده انواع طیور در آبان ۱۴۰۴ به ۲۱۸ هزار و ۸۰ تن رسیده است که جایگاه گوشت طیور را به‌عنوان اصلی‌ترین منبع پروتئین حیوانی در سبد مصرف خانوار تثبیت می‌کند. بررسی ترکیب این تولید نشان می‌دهد، مرغ با فاصله‌ای چشمگیر نسبت به سایر گونه‌ها، همچنان محور بازار گوشت سفید کشور باقی مانده‌است. از مجموع کل عرضه، بیش از ۲۱۲ هزار تن به گوشت مرغ اختصاص داشته که معادل ۹۷۴ درصد از کل وزن گوشت طیور محسوب می‌شود. این تمرکز بالا، ساختار تک‌محصولی بازار طیور را بار دیگر برجسته می‌سازد.

در کنار مرغ، گوشت بوقلمون با ۲ هزار و ۸۲۰ تن و سایر انواع طیور با ۲ هزار و ۸۳۴ تن سهمی محدود و تقریباً برابر از بازار داشته‌اند. سهم هر یک از این دو گروه حدود ۱۳ درصد گزارش شده است. نشان می‌دهد تنوع مصرف گوشت طیور در کشور همچنان محدود باقی مانده و رفتار مصرف‌کننده به‌طور غالب به سمت مرغ متمایل است. این الگوریشه در عادت‌های غذایی دارد و بازتابی از قیمت، دسترسی، سرعت تأمین و سیاست‌های حمایتی نیز به شمار می‌آید.

مقایسه عملکرد کشتارگاه‌های رسمی کشور در آبان ۱۴۰۴ با ماه مشابه سال گذشته، افزایش ۷۰ درصدی عرضه گوشت انواع طیور را نشان می‌دهد. این رشد سالانه، در شرایطی رخ داده است که تولیدکنندگان با نوسانات قیمت نهاده‌های دامی، هزینه‌های انرژی، دستمزد و مسائل حمل‌ونقل مواجه بوده‌اند. افزایش عرضه در چنین

تولید رسمی گوشت طیور در کشتارگاه‌ها افزایشی شد

سفره‌داری مرغ در آبان امسال

عرضه گوشت طیور در آبان ۱۴۰۴ با رشد سالانه ۷۰درصدی همراه بوده و مرغ همچنان باز یگر اصلی بازار پروتئین کشور است



محمد مهدی صافی | جوان

فضایی، نشانه‌ای از توان سازگاری نسبی تولیدکنندگان و اثرگذاری سیاست‌های تنظیم بازار تلقی می‌شود. هر چند این رشد به‌معنای وفور مطلق نیست، اما از منظر اقتصادی می‌تواند به‌عنوان عاملی باردارنده در برابر جهش‌های قیمتی عمل کند.

از منظر تغییرات کوتاه‌مدت، آمارها حاکی از آن است که میزان عرضه گوشت طیور در آبان نسبت به مهر حدود یک درصد افزایش داشته است. این رشد محدود و بی‌ثباتی، نشان می‌دهد که گوشت مرغ، پیامدهای اقتصادی متعددی نیز به همراه دارد. هر گونه اختلال در زنجیره شده است، مرغ به کالایی با دسترسی گسترده و قیمت نسبتاً کنترل‌شده تبدیل‌شود. از سوی دیگر، وابستگی شدید بازار پروتئین کشور به یک محصول، ریسک‌های ساختاری را افزایش می‌دهد. هر گونه اختلال در زنجیره تولید مرغ، از بیماری‌های دام و طیور گرفته تا اختلال در واردات نهاده‌ها، می‌تواند اثرات گسترده‌ای بر بازار مصرف و برای بگذار، سهم اندک بوقلمون و سایر طیور نشان می‌دهد. سیاست‌های تنوع‌بخشی به تولید و مصرف هنوز به مرحله اثرگذاری نرسیده‌اند.

افزایش عرضه رسمی از مسیر کشتارگاه‌های مجاز، علاوه بر آثار اقتصادی، از منظر سلامت و نظارت نیز حائز

اهمیت است. رشد سهم کشتار رسمی می‌تواند به کاهش فعالیت‌های غیرمجاز، بهبود استانداردهای بهداشتی و افزایش اعتماد مصرف‌کننده منجر شود. درعین حال، آمارهای رسمی فقط بخشی از واقعیت بازار را نشان می‌دهند و بخشی از تولید و مصرف ممکن است خارج از این چرخه ثبت شود. با این حال، روندهای اعلام‌شده مبنای اصلی تصمیم‌گیری‌های کلان در حوزه تنظیم بازار و امنیت غذایی محسوب می‌شوند.

تحلیل داده‌های آبان ۱۴۰۴ نشان می‌دهد، سیاست‌های کنترلی دولت در حوزه تأمین نهاده‌ها، قیمت‌گذاری و ذخایر راهبردی تا حدی توانسته‌اند از بروز نوسانات شدید جلوگیری کنند. افزایش سالانه عرضه، بدون ایجاد مازاد چشمگیر یا کمبود محسوس، بیانگر نوعی تعادل‌کننده است که حفظ آن نیازمند رصد مستمر بازار و واکنش سریع به تغییرات محیطی است. بازار مرغ می‌تواند در مدت کوتاهی دچار نوسان شود و بازگشت به ثبات، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی به همراه داشته باشد.

در سطح مصرف، تداوم عرضه در حجم بالا می‌تواند به حفظ قدرت خرید خانوارها کمک کند. گوشت مرغ

ا بر تورم در اقتصاد امکان وقوع ندارد

کنترل نقدینگی لازمه مهار تورم است

سیدباقر شریف‌زاده، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تبریز و امیرحسین اقبالی، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «جوان» دلایل بروز شرایط تورمی فعلی و راهکار مقابله با آن را واکاوی کردند



نظارتی بر عملکرد بانک‌ها وجود ندارد و با اضافه برداشت از بانک مرکزی به گستره مشکلات کشور اضافه می‌کنند. بانک‌ها درگیر امور بنگاهداری هستند و از وظایف اجتماعی خودشان غافل شده‌اند.

وی ادامه داد: بانک‌ها به جمع‌آوری منابع از میان مردم می‌پردازند و نقدینگی را اختیار دارند که آن را در بخش‌های غیرمولد به کار می‌اندازند. بنابراین، بانک‌ها نیز یکی از عوامل ایجاد ناتراز ی پولی و مالی در کشور هستند. باید دولت کنترل رشد نقدینگی را با جدیت پیگیری کند، به تکرخی کردن ارز مبادرت کند و منابع را به بخش‌های مولد سوق دهد.

این عضو هیئت‌نمایندگان اتاق بازرگانی تبریز خاطرنشان کرد: عمل به آنچه در بالا گفته شد، زمینه را برای کنترل تورم به وجود می‌آورد. تورم بر اثر سوءمدیریت‌ها و عدم نظارت بر امور به وجود آمده است. بنابراین، دولت باید به سمت ساماندهی امور اقتصادی و نظارت جدی‌تر بر عملکرد نهادهای مختلف برود.

■ این تورم رخ نخواهد داد
امیرحسین اقبالی، کارشناس اقتصادی نیز در گفت‌وگو با «جوان» گفت: رشد نقدینگی، به‌ویژه زمانی که از کانال خلق پایه پولی تغذیه می‌شود، به‌طور مستقیم